



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۶ دی ۱۴۰۰

مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۳

موضوع جزئی: مسئله ۲۹ - تنمه: بررسی فقهی آواز زنان - مروری بر نظرات -

جهات مؤثر در تعدد صور آواز زنان

جلسه: ۶۵

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تنمه: بررسی فقهی آواز زنان

به مناسبت آنچه در ذیل مسأله ۲۹ درباره اسماع صوت المرأة الرجل الاجنبی بکیفیه مهیجه مطرح شد، وارد موضوع دیگری شدیم و آن هم بررسی حکم شرعی آوازخوانی زنان است. در مورد آوازخوانی زنان با اینکه یک عنوان کلی است، اما فروض و شقوق مختلفی قابل ذکر است. استفتائاتی که از مراجع عظام تقلید شده در موضوعات و فروض مختلف مطرح شده که پاسخ داده‌اند.

مروری بر نظرات مراجع

من یک مرور اجمالی بر این انظار و استفتائاتی که شده می‌کنم و بعد صور مختلفی که برای این موضوع می‌توانیم تصویر کنیم را ذکر خواهم کرد.

مثلاً در مورد آوازخوانی زنان در حالی که از آلات موسیقی یا به تعبیر دیگر آلات لهوی استفاده نشود، یعنی صرف آوازخواندن بدون اینکه آن آلات همراه باشد، انظار مختلفی مطرح شده، در مورد آوازخوانی زنان در مجالس مولودی، جشن و شادی، عقد و عروسی سؤال شده که چه حکمی دارد؟ امام(ره) فرموده‌اند این آوازخوانی اگر به نحو غنائی باشد اشکال دارد، مگر غنا در عروسی‌ها که استثنا شده است. در مورد زن اگر در مجلس عروسی حتی به صورت غنائی هم بخواند، این را نوعاً استثنا کرده‌اند؛ و این بعید نیست و احتیاط واجب آن است که به هنگام شب زفاف و مجلسی که قبل از آن تدارک شده اکتفا شود و نه هر مجلسی؛ بلکه احتیاط این است که مطلقاً و به طور کلی اجتناب شود. (البته معلوم است که این یک احتیاط استحبابی است).

سؤال:

استاد: این فقط ناظر به مجلس زنان است و اختلاط با نامحرم و اینکه مردان این صدا را بشنوند، با اینها کاری ندارد. مرحوم آقای اراکی فرموده‌اند احوط ترک است و روشن است که این احتیاط وجوبی است. مرحوم آیت‌الله تبریزی این چنین نوشته‌اند که آوازخوانی مناسب با مجالس خوش‌گذرانی که در مضمون باطل باشد حرام است و بنابر احتیاط واجب باید از مطلق خواندنی که با ترجیح صوت و کیفیت لهوی است، هر چند در مضمون باطل نباشد، اجتناب نمود؛ البته غنا در خصوص عروسی در صورتی که مشتمل بر موسیقی لهوی نباشد، استثنا شده است.

سؤالی که به دنبال آن مطرح شده، این است که خواندن بعضی از اشعار بدون موسیقی (متن بعضی ترانه‌ها) در مجالس عقد و عروسی چه حکمی دارد؟ ایشان مرقوم فرموده‌اند که اگر مشتمل بر کذب و افتراء و امثال آن نباشد مانعی ندارد، والله العالم.

آیت‌الله بهجت نوشته‌اند ... در اینجا دو سؤال مطرح شده است، یعنی دو فرض در نظر گرفته شده است. آوازخوانی زنان در مجالس مولودی، جشن و شادی و عقد و عروسی چه حکمی دارد؟ الف) به صورت تکخوانی و جمع‌خوانی؛ ب) خواندن متن برخی ترانه‌ها بدون موسیقی. آیت‌الله بهجت در هر دو فرض نوشته‌اند اگر به حد غنا باشد حرام است، مگر غناء مغنیات در عروسی‌ها که اشکال ندارد، به شرط آنکه به کلام باطل تعلق نگیرد. آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این استفتاء هم در فرض الف و ب یک جواب مشترک داده‌اند: اگر به نحو غنائی باشد حرام است مگر خوانندگی در مجلس زفاف عروس که اشکال ندارد؛ ولی نوازندگی مطرب لهوی در هر صورت حرام است. مرحوم آقای خویی همین را در منهاج‌الصالحین فرموده‌اند: اگر به نحو غنای لهوی و باطل باشد حرام است، ولی غناء زنان در مجالس عروسی اشکال ندارد، به شرط اینکه محرم دیگری مانند زدن طبل و سخنان باطل، داخل مردان بر زنان و شنیدن صدای آنان به نحوی که موجب تهییج شهوت شود، همراه آن نباشد؛ در غیر این صورت غنا در عروسی‌ها هم حرام است.

مرحوم آیت‌الله فاضل در مورد تکخوانی و جمع‌خوانی در مجالس عروسی فرموده‌اند: در صورتی که مقارن چیز حرامی نشود مثل موسیقی لهوی و اختلاط زن و مرد، اشکال ندارد؛ ولی در مردان باید غنا هم نشود. یعنی اگر مرد می‌خواهد بخواند باید مواظب باشد که حتی در مجلس عروسی غنا پیش نیاید. بعد در مورد خواندن اشعار بدون موسیقی در مجالس عقد و عروسی ایشان فرموده‌اند خواندن اشعار سبک و بی‌مغز و مهیج مناسب نیست. یک سؤال دیگری از مرحوم آقای فاضل مطرح کرده‌اند که چگونه بین دو مسأله می‌توانیم جمع کنیم؛ یکی اینکه خواندن شعر در مجالس عروسی اگر غنا نباشد و کذا مانعی ندارد، دوم اینکه تنها غنا و آواز در مجالس عروسی زنانه مستثنا است و در بقیه موارد حرام است. ایشان جواب داده‌اند که غنا مطلقاً حرام است مگر در شب عروسی که توسط زن در مجلس زنانه خوانده شود، البته مشروط بر اینکه همراه حرام دیگری مثل موسیقی مطرب یا در حضور مردان نباشد. آیت‌الله نوری همدانی هم تقریباً همین جواب را داده‌اند: در صورتی که غنا باشد یا موجب فساد یا انحراف گردد اشکال دارد ولی غنا در عروسی جایز است به شرط اینکه با محرمات توأم نباشد.

تقریباً اکثر انظار در این مورد را بیان کردیم. به غیر از مرحوم آقای اراکی که به طور کلی احتیاط را در ترک دانسته بود، نوعاً به مسأله استثنا اشاره کرده‌اند و در همه پاسخ‌ها این استثنا ذکر شده بود. در مورد غیر آن، هم در فرض تکخوانی و هم جمعی و بدون آلات موسیقی، تقریباً فرموده‌اند که نباید آنچه که می‌خواند مناسب مجالس خوشگذرانی باشد یا در غیر عروسی به صورت غنائی بخواند، و سایر امور محرم با آن نباشد. یعنی به نحو مطلق حکم به حرمت نشده است. محدوده استثنا البته متفاوت است که اینها را بعداً متعرض خواهیم شد.

مسأله دیگری که سؤال کرده‌اند در مورد خواندن قرآن و سرود و مثلاً مقاله‌ای در حضور نامحرم است. اینجا هم پاسخ‌هایی که آقایان داده‌اند متفاوت است. مثلاً امام(ره) فرموده‌اند حکم دایر مدار وجود مفسده و عدم آن است یا مرحوم آقای بهجت اینطور جواب داده‌اند که اگر موجب تهییج شهوت باشد جایز نیست و چون نوعاً در معرضیت آن است، اجتناب شود. ابتدا می‌گویید چنانچه موجب تهییج شهوت باشد جایز نیست، بعد می‌گویید نوعاً هست و لذا باید اجتناب شود. حالا اینکه آیا اساساً فقیه در پاسخ به سؤال و استفتائی می‌تواند تعیین معرضیت یک مورد را برای گناه کند یا نه، این خودش جای بحث دارد. مرحوم آقای تبریزی هم نوشته‌اند که قرآن خواندن زن و نیز خواندن سرود در صورتی که غنا نبوده و مشتمل بر موسیقی لهوی نباشد، فی

نفسه مانعی ندارد؛ این در حضور نامحرم است و نه در حضور غیرنامحرم. لکن اگر موجب جلب نظر نامحرم و موجب تحریک شهوت باشد جایز نیست. نظیر همین را آیت‌الله خامنه‌ای نوشته‌اند که اگر موجب ریبه و فساد است و جلب توجه نامحرم می‌کند جایز نیست.

یک مطلب دیگری که به شکل دیگری از بعضی از آقایان استفتاء شده، مربوط به خواندن زن در مجامعی است که زن و مرد حضور دارند؛ هم از قرآن و هم مرثیه و هم آواز غیرمطرب. یعنی دو تا سؤال مربوط به این است که چه بخوانند و سومی مربوط به چگونه خواندن است؛ یعنی می‌گوید آواز غیرمطرب است و غنا نیست، اما خواندن قرآن و مرثیه در حضور مردان به صورتی که غنا نباشد. آقای سیستانی نوشته‌اند اگر خوف ابتلاء به حرام نباشد جایز است، ولی جایز نیست صدای خود را به نحوی زیبا و نازک کند که معمولاً موجب تحریک شهوت باشد. آقای صافی به نحو مطلق نوشته‌اند مستلزم فساد است و جایز نیست. مرحوم آقای گلپایگانی نوشته‌اند بانوان و دختران نزد نامحرم قرآن را با صدا نخوانند. حالا این خیلی معلوم نیست که یک توصیه احتیاطی است که در پاسخ به سؤال برای اینکه یک وقت مثلاً سوء استفاده نشود این چنین جواب داده‌اند. مرحوم آیت‌الله فاضل نوشته‌اند در شرایط فعلی که معمولاً مفسده دارد جایز نیست و اگر به صورت غنا باشد حرام است. بعد در مورد خواندن در مجامع مختلط زن و مرد مرقوم فرموده‌اند که اگر با آواز بخواند یا به صورت غنا بخواند حرام است و اگر به صورت همخوانی باشد کراهت دارد.

این یک مرور اجمالی نسبت به این فتاوا بود. ملاحظه می‌فرمایید که انظار مختلف است، آراء گوناگون است؛ حتی فروضی که مورد سؤال قرار گرفته یا پاسخ‌هایی که داده شده مختلف است. من الان نمی‌خواهم مستندات هر یک از این انظار را ذکر کنم. ان‌شاءالله در ادامه و بعد از بیان صور مسأله اینها را تا حدی که فرصت اقتضا کند بررسی خواهیم کرد.

جهات مؤثر در تعدد صور آواز زنان

به طور کلی برای خواندن زنان و آوازخوانی زنان صور مختلفی می‌توان تصور کرد. یعنی از جهات مختلف قابل بررسی فقهی است.

جهت اول: خواندن به صورت جمعی یا فردی؛ به عبارت دیگر تک‌خوانی و همخوانی؛ چون حتی ممکن است همخوانی از نظر بعضی محل اشکال باشد.

جهت دوم: اینکه همراه با آلات موسیقی باشد یا بدون همراهی با آلات موسیقی باشد.

جهت سوم: اینکه خواندن زنان آمیخته با سایر محرمان باشد یا آمیخته با سایر محرمان نباشد. البته اگر کسی استفاده از آلات موسیقی را یکی از محرمان بداند فرقی نیست بین آن جهتی که قبلاً گفتیم با این جهتی که الان اشاره کردیم.

جهت چهارم: اینکه آوازخوانی به صورت غنائی باشد یا غیرغنائی. در غنائی هم بین مجلس عروسی (مجلس شب زفاف) و غیر عروسی ... چون مجلس عروسی یک وقت ممکن است مجلس مقدماتی عروسی باشد، اما یک وقت می‌گوییم مجلس عروسی و مراد هر مجلسی است که به این پیوند مربوط است؛ یک وقت می‌گوییم شب عروسی و مراد شب زفاف است. اتفاقاً در پاسخ بعضی از آقایان به خصوص شب زفاف اشاره شده است. باید ببینیم آن استثنائی ذکر شده، آیا شب زفاف خصوصیت دارد یا اینکه هر مجلسی به این پیوند مربوط باشد به عنوان مجلس عروسی دانسته می‌شود.

جهت پنجم: که برای خواندن و آواز زن می‌توان تصویر کرد، این است که در حضور مردان باشد یا در حضور زنان.
جهت ششم: اینکه آیا آنچه می‌خواند قرآن و مرثیه باشد، یعنی مدائح و مرثی اهل بیت(ع)، یا غیر آن. البته نوحه هم داریم که قرآن و مدیحه و مرثیه برای اهل بیت(ع) نیست؛ نوحه یعنی برای کسی که از دنیا رفته بخواند، که به کسی که این کار را می‌کند نائحه می‌گویند. در بعضی روایات داریم که اخذ اجرت برای نیاچه اشکالی ندارد؛ نائحه می‌تواند اجرت بگیرد. در مکاسب اشاراتی به این مسأله شده است. در مورد غیر قرآن و مرثیه و نیاچه برای میت.

جهت هفتم: تارة مضامین لهوی است، یعنی مضمون فساد انگیز یا شهوت انگیز یا اعم؛ مناسب مجالس لهو و لعب و خوشگذرانی است یا مضامین غیر لهوی.

به‌رحال هفت جهت در مورد آوازه‌خوانی زنان وجود دارد که اگر این جهات با هم در نظر گرفته شود، صور متعددی در اینجا قابل تصویر است. یعنی برای آوازخوانی زنان به اعتبار این جهات هفت‌گانه می‌تواند صورت‌های مختلفی پیدا شود که البته در مقام بررسی بعضی از این جهات می‌تواند تقدم داشته باشد بر بعضی جهات دیگر.

سؤال:

استاد: آن جهات به خود صدا و آواز مربوط نیست، قیودی است که از نظر شرعی چه‌بسا در حکم به حرمت دخالت دارند. اینکه مستلزم فساد باشد یا نباشد؛ اینکه مهیج باشد یا نباشد. توجه داشته باشید که مستلزم فساد بودن یا مهیج بودن یا مثلاً خوف فتنه، اینها جهاتی است که به خود صدا و آواز مربوط نمی‌شود؛ یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم خود آواز زن به اعتبار مستلزم فساد بودن یا نبودن بر دو قسم می‌شود. به اعتبار مهیج بودن یا نبودن، به اعتبار شهوت انگیز بودن یا نبودن، تقسیم به دو قسم می‌شود. ما این را نمی‌توانیم بگوییم؛ چون اینها از طواری و عوارض است و خود صوت با قطع نظر از اینکه حکم شرعی آن چیست این اقسام را ندارد. این وجوه و جهاتی که ما گفتیم به حسب مقام ثبوت و واقع و با قطع نظر از اینکه شارع در اینجا چه نظری دارد، اینها همه قابل تصویر است. ثبوتاً یا در حضور زنان است یا در حضور مردان است یا هر دو؛ ثبوتاً یا غنائی است یا غیرغنائی (با همه اختلافی که در تعریف غنا وجود دارد؛ یا در عروسی است یا در غیرعروسی؛ ثبوتاً یا با آلات موسیقی همراه است یا نیست. ثبوتاً یا تک‌خوانی یا همخوانی است؛ ثبوتاً یا آنچه می‌خواند قرآن و مرثیه و نیاچه است یا غیر آن. اینها همه به حسب واقع بدون لحاظ موضع شارع و قانون‌گذار است. اصلاً اینکه چه خواهیم حکم شارع را بدانیم چه نداریم، یک صوری است که می‌توانیم برای این تصویر کنیم. اما مسأله تهییج و فساد ملاحظاتی است که با نظر شارع پیش می‌آید، که مثلاً شارع می‌گوید اگر آنچه که در حضور مردان می‌خواند مهیج یا مستلزم فساد باشد، این محل اشکال است. برای این است که آنها را نمی‌توانیم به این جهات ضمیمه کنیم.

علی‌ای حال صور متعددی در اینجا قابل تصویر است. بعضی از امور قطعاً از محل نزاع ما خارج است؛ البته نه از این صوری که اشاره کردیم. به آنچه که در گذشته گفتیم و فعلاً به آن کاری نداریم اشاره می‌کنم؛ سخن گفتن و تکلم معمولی، یعنی بدون آواز، حکم این معلوم شد. اسماع صوت المرأة للجانِب، حکم این هم بررسی شد. اسماع صوت المرأة بکیفیة مهیجة، یعنی همین سخن گفتن معمولی، صوت یعنی همین حرف زدن؛ چون در بعضی نوشته‌ها دیده‌ام که صوت را معنا کرده‌اند به آوازخواندن، در حالی که در عربی وقتی می‌گوییم صوت المرأة یعنی حرف زدن. در بعضی لغات و فرهنگ‌نامه‌ها صوت المرأة

را به معنای آوازخوانی مرأه گرفته‌اند. تکلیف این هم معلوم شد. تکلیف سماع الرجل هم معلوم شد. آنچه که الان بحث می‌کنیم بالاتر از اینهاست؛ صوت المرأة و سخن گفتن بکیفیه مهیجه یا به تعبیر دیگر خضوع بالقول نیست، بلکه آوازخواندن است؛ می‌خواهیم ببینیم حکم آوازخوانی زنان چگونه است. اینکه از آن ادله بعضاً در اینجا استمداد شود و در اینجا مورد استفاده قرار گیرد، بحث دیگری است. پس موضوع بحث، آوازخوانی زنان است. حالا این آوازخوانی با ملاحظه این جهات و تداخلی که این جهات بعضاً با هم دارند چند صورت در اینجا پیدا می‌شود. فکر می‌کنم که به حسب مقام ثبوت هر چند ممکن است بعضی از این صور حکمشان هم واحد باشد، اما شاید مجموعاً بیست یا سی صورت قابل تصویر است. ان شاء الله چند فرض اصلی از آن را در جلسات آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»